

نوع مقاله: پژوهشی
صفحات ۱۰۴ - ۸۷

بررسی جایگاه حقوق زنان در منشور حقوق شهروندی با تاکید بر اصول اخلاقی

آرزو حسینی^۱

علی حاجی پور کندرود^{۲*}

چکیده

منشور حقوق شهروندی نشان دهنده دغدغه دولت در آگاه سازی عمومی درباره حقوق شهروندی و نهادینه کردن احترام به حقوق بشر است. در این راستا یکی از مهمترین محورهای منشور حقوق شهروندی مساله حقوق زنان است. بر این اساس هدف از پژوهش حاضر، بررسی و تحلیل میزان توجه به حقوق شهروندی زنان در قلموس منشور حقوق شهروندی می باشد. پژوهش فوق نشان دهنده این امر است که حقوق شهروندی زنان در منشور حقوق شهروندی در حد قابل قبولی مورد توجه قرار گرفته ولی با این حال نبود ضمانت اجرای مناسب از یک سو و برخی چالش های عملی و اجرایی از سوی دیگر تحقیق مطلوب و واقعی حقوق زنان را در ایران با موانع جدی مواجه نموده است.

واژگان کلیدی

اصول اخلاقی، منشور حقوق شهروندی، حقوق زنان، نظام حقوقی ایران.

۱. دانش آموخته کارشناسی ارشد، گروه حقوق، واحد ارومیه، دانشگاه آزاد اسلامی، ارومیه، ایران.

Email: arezoo.hosseinieh@gmail.com

۲. استادیار گروه حقوق، واحد ارومیه، دانشگاه آزاد اسلامی، ارومیه، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: hajipour62@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۴/۲۱ پذیرش نهایی: ۱۳۹۸/۱۰/۲۹

طرح مسأله

زنان به عنوان بخشی از جامعه ی انسانی و به عنوان تامین کننده ی بخش اعظمی از نیروی کار نقش مهمی را در اجتماع بشر ایفا می کنند . به طور کل تمییز بین زن و مرد از لحاظ برخورداری از حقوق انسانی کاری ناشایست و رفتاری کاملاً نابخشودنی از جانب جامعه ی ملل می باشد . با توجه به این مسائل باید اذعان داشت که در جوامع مختلف تبعیض ها و خشونت های بسیاری علیه زنان اعمال شده است و نمی توان منکر این موضوع شد . از این رو جوامع حقوق بشری بر آن شده اند تا قوانینی را به منظور حفظ حقوق شهروندی زنان پایه گذاری نمایند تا بتوانند از طرق آن حقوق زنان در جامعه را حفظ کنند . کشور ایران نیز از این قاعده مستثنا نیست . در قانون اساسی ما به خصوص حقوق زنان بسیار مورد توجه قانون گذار بوده و با توجه به اسلامی بودن کشورمان حقوق زنان جایگاه ویژه ای در قوانین ما داشته است . اما چیزی که مهم است توصیف حقوق و جایگاه زنان در حقوق شهروندی است که به عنوان یک شهروند حقوق آن ها مورد توجه قرار گیرد . در ایران حقوق شهروندی آنطور که باید تعریف نشده بود تا اینکه بعد از انتشار منشور حقوق شهروندی از جانب رئیس جمهور وقت کشورمان این امر با رسمیت بیشتری ادامه یافت . چیزی که در نظر ما مهم می آید جایگاه زنان در منشور حقوق شهروندی است و اینکه چه میزان به برابری حقوق زنان و میزان مشارکت های سیاسی و اجتماعی آن ها به عنوان یک شهروند نگریسته شده است . با توجه به اینکه در منشور حقوق شهروندی مواد بسیاری به جایگاه زنان پرداخته و به طور کامل نقش آن ها در امور سیاسی و اجتماعی را تبیین می کند باید دید به چه شکل این مسئله قابل بررسی و ارزش گذاری است . زن به عنوان یک شهروند جایگاه اجتماعی تعریف شده ای دارد و منشور حقوق شهروندی نیز خواسته است تا این جایگاه را بر اساس تعریف های موجود تبیین نماید که این خود نشانگر این است ، منشور حقوق شهروندی بر اساس داشته های ما از قبل دست به جمع آوری مباحث مربوطه نموده تا نمود و شکل کامل تری به ما بدهد و جایگاه شهروند زن را بهتر به ما نشان دهد و برای آن خط و مشی هایی که لازم به نظر میرسد تعیین نماید . انتشار منشور حقوق شهروندی به وسیله ی دولت و تصویب آیین نامه و بعدها قانون احترام به آزادی های مشروع و حفظ حقوق شهروندی و همچنین صدور فرمان هشت ماده ای امام خمینی و رهبری فعلی نظام تماماً تلاشی برای اجرایی کردن اصول و ارزشهای قانون اساسی بوده اند. لذا محقق در پی تبیین جایگاه زنان در منشور حقوق شهروندی بوده و بنا دارد تا با بیان نظریه ها و دیدگاه این مسئله را روشن تر و به دور از ابهام بیان نماید .

در ادوار شناخته شده ی تاریخ تبعیض علیه زنان یک جلوه ی مشهود داشته است و همواره زنان در دفاع از حقوق خود با سختی های بسیاری دست و پنجه نرم کرده اند. از این رو با وجود

نابرابری برای زنان که در همه ی جوامع کم و بیش وجود دارد. در برخی از سازمانهای جهانی در چند سال اخیر به این مسئله بیشتر توجه شده است و در برنامه ریزی های خرد و کلان اقتصادی و اجتماعی سازمان های مختلف جهانی قرار گرفته است جایگاه و حقوق زنان در قانون به ویژه قوانین عادی، از جمله مباحث مهمی است که همواره مورد توجه محافل علمی و متولیان جامعه بوده است. حقیقت این است که زن و مرد از نظر حقوق اجتماعی، استعداد و لیاقت برابری دارند. و می بایست به یک اندازه بهره ببرند. اثرگذاری هر دو جنس نیز در یک جامعه به یک اندازه است. اگر تفاوتی هم وجود دارد باید در نوع استعداد افراد باشد و جنسیت نمیتواند عامل تبعیض باشد، ولی آن چه که ما در شهود به آن میرسیم این است که در طول تاریخ واقعیت جایگاه زنان با حقیقت آن فاصله زیادی داشته و همین موضوع باعث شده است که زنان تا به امروز نتوانند جایگاه خود را در جامعه به درستی پیدا کنند. در اکثر مواد منشور حقوق شهروندی به خوبی جایگاه زنان چه از نظر سیاسی و چه از نظر اجتماعی تبیین شده و مخصوصا به احقاق حقوق سیاسی زنان و نقش آنان در سرنوشت کشور اشاره گردیده است. با توجه به اینکه تمام در اعضای جامعه در تعیین سرنوشت خود و کشور سهیم می باشند این حق به درستی برای زنان نیز شناسایی شده و می بایست با ادامه یافتن مسیر منشور حقوق شهروندی به آن جامه عمل بپوشاند. همچنین به اجازه ی زنان در شرکت در انتخابات و حتی وارد شدن به عرصه ی سیاست نیز اشاره شده و نشان از این دارد که به نقش زنان در سیاست نیز توجه شده است که این مسائل به همان حقوق شهروندی و اجازه برای تصمیم گیری در سرنوشت خود بر میگردد. همچنین می توان گفت در قرن اخیر به بعد زنان جایگاه ویژه ای را در عرصه های مختلف سیاسی، اجتماعی و حقوقی به خود اختصاص داده و نقش به سزایی را در این عرصه ها ایفا کرده اند. در این زمینه می توان به زنانی اشاره کرد که در قرن حاضر به عنوان ریاست جمهوری، صدر اعظم، وزیر و یا دیگر پست های مهم حکومتی نائل آمده اند که می توان در این موارد به زنانی چون لورا چینچیللا - رئیس جمهور سابق کاستاریکا، پارک گون هه، رئیس جمهور سابق کره جنوبی، دیلما روسف، رئیس جمهور سابق برزیل، کریستینا الیزابت فرناندز د کیرشنر رئیس جمهور سابق آرژانتین و بسیاری دیگر از آن ها نام برد که تثیرات فراوانی را بر دنیا گذاشته اند.

با توجه به مضمون منشور حقوق شهروندی باید گفت تقریبا در بسیاری از قسمت های مختلف منشور به حق زن و جایگاه زنان در جامعه، قانون و سیاست گذاری اشاره و روی آن تاکید فراوان شده است و تا آنجایی که ممکن است، حق و حقوقی که یک زن باید در جامعه از آن برخوردار باشد در منشور ذکر شده و از حق و حقوق زنان در ماده های مختلف منشور دفاع به عمل آمده است. در اینکه جایگاه حقوقی زنان در جامعه همیشه باید محکم و گسترده باشد

شکی نیست و این رو محقق قصد دارد با بیان این جایگاه و تحقیق و تفحص در متن منشور و تحلیل چگونگی برخورداری زن از حقوق خود با در نظر گرفتن به اهداف و هدف گذاری های منشور حقوق شهروندی ابهامات و سوالات موجود در این زمینه را پاسخ بگوید و با جست و جو در آثاری که تا کنون این منشور بر جای گذاشته است نتایج مثبت و قابل قبولی را ارائه نماید .

مفهوم حقوق شهروندی زنان

اصطلاح «شهروند» در متن بسیاری از مقررات به کار رفته است. در قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی، مصوب ۸۳/۰۲/۱۵ مجلس شورای اسلامی، که در مقام صیانت حقوق قضایی شهروندی است، مثل حق دفاع متهم، رعایت موازین قانونی در موقع دستگیری، بازجویی و تحقیق از اشخاص، منع شکنجه و لزوم رعایت اصل برائت، به نظر می‌رسد که «شهروند» در این قانون منحصر به تبعه نبوده و همه‌ی افراد را صرف نظر از تابعیت و اقامت، در برمی‌گیرد. در حالی که در قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی، مصوب ۸۳/۰۲/۲۱ در تبصره‌ی ۴ ماده‌ی ۱ که، اصطلاح «شهروندان خارجی مقیم جمهوری اسلامی ایران» و در ماده‌ی ۷ آن، که عبارت «نیازهای شهروندان» به کار رفته است، به نظر می‌رسد که منظور از شهروند فقط «تبعه» است.

همچنین در آیین‌نامه‌ی تعزیرات حکومتی در شهرداری‌های کشور در خصوص شهروندان و کارکنان، مصوب ۲۵/ ۰۳/ ۱۳۷۶ و در قانون معاهده‌ی اساس روابط متقابل اصول همکاری بین جمهوری اسلامی ایران و فدراسیون روسیه مصوب ۱۳۸۰/۰۱/۱۶ مجلس شورای اسلامی، در ماده‌ی ۸ آن در خصوص تسهیلات برای «روادید برای شهروندان طرف دیگر» نیز منظور از شهروند، تبعه است. بنابراین می‌توان گفت که در نحوه‌ی استفاده از این اصطلاح در مقررات مدون، نظم خاصی حاکم نیست و در قوانین و سایر مقررات در هر دو معنا به کار گرفته شده است، اما به لحاظ محتوایی، چنان که در قسمت دوم ذکر می‌شود، در حقوق ایران در بهره‌مندی از حقوق مدنی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و در مواردی فرهنگی بین اتباع و غیر اتباع، حسب مورد، تفاوت‌های جزئی یا کلی وجود دارد. (ابراهیمی، ۱۳۹۳، ۹۷).

مفهوم حقوق سیاسی زنان

حقوق سیاسی، عبارت از حقی است که انسان بتواند در زندگی سیاسی-اجتماعی، کشور خود از راه انتخاب زمامداران، مقامات سیاسی شرکت جویند و یا در تصدی مشاغل سیاسی و اجتماعی کشور خود نایل آید یا در مجامع آزادانه، عقاید خود را به خوبی ابراز کند. (باری، ۱۳۹۴،

منشور حقوق شهروندی

منشور سندی توصیه ای است که ضمانت اجرای کافی ندارد؛ اما با توجه به این که شالوده اصلی قانون اساسی مربوط به سال ۵۸ و اصلاحات آن در سال ۹۷ هست؛ تحولات جدید تئوریک و نظری در زمینه عدالت، آزادی و یا مباحثی از این دست که در آن نیامده است می تواند در قالب منشور پیش بینی شود؛ با این وجود ممکن است برخی از بندهای منشور حقوق شهروندی مشابه قانون اساسی باشد از طرفی منشور از جنس حقوق مدنی و حقوق نرم است که باید ضمانت اجرای آن، وجدانهای آگاه و اجر نظارت مستمر مردم و تشکل های مردم نهاد باشد. گاهی قوانین و مقررات قادر نیستند همه آنچه را که موردنیا جامعه است پیش بینی نمایند در نتیجه وظیفه منشور پر کردن این خلأهاست. منشورها می توانند مبانی و خط مشی ها و سیاست گذاری ها را روشن کنند. در واقع به مثابه «هنجارهایی» در هستند که مسیر درست را نشان می دهند. در منشور قاعده حقوقی وضع نمی شود بلکه این اسناد تنها معیار ارزیابی سایر قوانین و نحوه اجرای آنان از طرف دولت ها می باشند. فلذا «حقوق شهروندی» آمیخته ای از وظایف و مسئولیت شهروندان در قبال حکومت و یکدیگر است که مسئله ای پذیرفته شده در گفتمان فقهی - حقوقی ما که با بحث کرامت انسانی گره خورده است، تلقی می گردد، کی چراکه این اصل مهم انسان را از ارتکاب گناهان و تعدی به حقوق دیگران باز می دارد. منشور حقوق شهروندی آغاز رسمی نهضت شهروند سازی در ایران به شمار می رود؛ دولت، به این ترتیب، خود را در معرض نقد قرار می دهد و مردم به شهروندان حق طلب و پرسشگر تبدیل می شوند. (عمید، ۱۳۹۱، ۱۴۵).

سیروبررسی و تصویب منشور حقوق شهروندی

سازمان اداری و استخدامی کشور در اقدامی مبنایی و مهم، تبیین «حقوق شهروندی در نظام اداری» که برگرفته از مفاد منشور و بیانیه رییس جمهور و با استفاده از نظرات مدیران و صاحب نظران مدیریت و حقوق اداری را تدوین کرد که این مهم در تاریخ ۹ بهمن ماه ۱۳۹۵ به تصویب شورای عالی اداری رسید و از سوی رییس جمهور محترم به کلیه دستگاههای اجرایی ابلاغ شد

به گزارش پایگاه اطلاع رسانی دولت، جمشید انصاری رییس سازمان اداری و استخدامی کشور در نخستین اجلاس ملی گزارش اجرای حقوق شهروندی در گزارشی مهمترین اقدامات انجام شده را تشریح کرد .

مشروح گزارش رییس سازمان اداری و استخدامی کشور از اقدامات انجام شده، موانع فرار و برنامه های آینده برای تحقق منشور حقوق شهروندی در نظام اداری بدین شرح است:

بسم الله الرحمن الرحيم؛ به دنبال اعلام منشور حقوق شهروندی در ۲۹ آذرماه ۱۳۹۵ از

سوی ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران، سازمان اداری و استخدامی کشور در اجرای تکلیف مقرر در بند (۵) قسمت «ب» بیانیه رییس جمهور، تبیین مفهومی منشور در نظام اداری کشور را در دستور کار خود قرار داد. حاصل این تلاش به عنوان یک اقدام مبنایی و مهم، تبیین «حقوق شهروندی در نظام اداری» بود که برگرفته از مفاد منشور و بیانیه رییس جمهور و با استفاده از نظرات مدیران و صاحب‌نظران مدیریت و حقوق اداری تدوین و در تاریخ ۹ بهمن ماه ۱۳۹۵ به تصویب شورای عالی اداری رسید و از سوی رییس جمهور محترم به کلیه دستگاه‌های اجرایی ابلاغ شد. (عظیم زاده اردبیلی، ۱۳۹۵، ۹۸)

حقوق زنان در منشور حقوق شهروندی

الف) حقوق مدنی

این حقوق شامل موارد متعددی است، مثل حق آزادی، مصونیت از تعرض، آزادی بیان، مذهب، برابری در برابر قانون، ممنوعیت تبعیض براساس جنس، نژاد، منشأ ملی یا زبانی حمایت از شخص در برابر اقدامات غیرقانونی دولت مثل حبس (غیرقانونی) یا کار اجباری. (جاوید، وهمکاران، ۱۳۹۳، ۲۷۰).

ب) حقوق سیاسی

حقوقی است که برای مشارکت فعالانه در فرایندهای آزاد حکومت ضروری است و موارد زیر را در برمی‌گیرد. حق رأی و امکان تصدی مسؤولیت در سطح حکومت، آزادی گردهمایی و تشکیل انجمن، آزادی دسترسی به اطلاعات و امکان فعالیت‌های سیاسی. (جاوید، وهمکاران، ۱۳۹۳، ۲۷۵).

ت) حقوق اقتصادی - اجتماعی

حقوق اقتصادی - اجتماعی، که از آن به «عضویت کامل در عرصه‌ی اجتماعی جامعه» نیز تعبیر شده است.

حق مالکیت، حق کار کردن، برابری در فرصت‌های شغلی، حق بهره‌مندی از خدمات اجتماعی - بهداشتی، بهره‌مندی از تأمین اجتماعی و استاندارد زندگی متناسب برای شخص و حمایت از شخص در مواقع بیکاری، پیری و از کار افتادگی. (جاوید، وهمکاران، ۱۳۹۳، ۲۷۷).

چالش‌های حقوق شهروندی زنان در منشور حقوق شهروندی

در مقدمه قانون اساسی از موقعیت زنان و استیفای حقوق آنان به دلیل ستم بیشتریکه متحمل شده‌اند سخن به میان آمده است و خانواده را یکی از واحدهای بنیادین جامعه کانون اصلی رشد و تعالی انسان معرفی نموده که زن به عنوان یکی از واحدهای خانواده‌ها باید از حالت (شیئی بودن) و (ابزار کار بودن) خارج شده و ضمن بازیافتن وظیفه خطیر و پرارج مادری در پرورش انسان‌های مکتبی بکوشد، فراهم کردن امکانات جهت نیل به این

مقصود از وظائف حکومت اسلامی می‌باشد. در اینجا به برخی از اصل‌های قانون اساسی و مواد قانون مدنی که در جهت احقاق حقوق زنان می‌باشد اشاره می‌گردد:

اصل سوم قانون اساسی: تامین حقوق همه جانبه افراد اعم از زن و مرد و ایجاد امنیت قضایی عادلانه برای همه و تساوی عموم در برابر قانون.

اصل دهم قانون اساسی: از آنجا که خانواده واحد بنیادی جامعه اسلامی است، هم‌هقوقانین و مقررات و برنامه‌ریزی‌های مربوط باید در جهت آسان کردن تشکیل خانواده، پاسداری از قداست آن و استواری روابط خانوادگی برپایه حقوق و اخلاق اسلامی باشد.

اصل بیستم قانون اساسی: همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون‌نقرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند.

اصل بیست و یکم قانون اساسی: دولت موظف است حقوق زن را در تمام جهات با رعایت موازین اسلامی تضمین نماید و امور زیر را انجام دهد: (علایی، ۱۳۹۳، ۵۴)

۱- ایجاد زمینه‌های مساعد برای رشد شخصیت زن و احیای حقوق مادی و معنوی او.
۲- حمایت مادران بالخصوص در دوران بارداری و حضانت فرزند و حمایت از کودکانی سرپرست.

۳- ایجاد دادگاه صالح برای حفظ کیان و بقای خانواده.

۴- ایجاد بیمه خاص بیوگان و زنان سالخورده و بی‌سرپرست.

۵- اعطای قیمومت فرزندان به مادران شایسته در جهت غبطه آنها در صورت نبودن ولی شرعی.

ماده ۷۰ قانون مدنی: رضای زوجین شرط نفوذ عقد است...

ماده ۱۱۸ قانون مدنی: زن مستقل می‌تواند در دارایی خود هر تصرفی را که می‌خواهد بکند.

ماده ۳۸ قانون کار مصوب ۲۹/۸/۶۹: برای انجام کار مساوی که در شرایط مساوی در یک کارگاه انجام می‌گیرد باید به زن و مرد مزد مساوی پرداخت شود...

قانون مصوب ۲۹/۱/۷۴: زنان می‌توانند با رتبه قضایی، مشاغلی از قبیل: مشاور و قاضی تحقیق را انتخاب نمایند ولی قضاوت به معنای خاص (تحکیم) برای آنها مجاز نشده است.

ماده ۱۰۴۳ قانون مدنی: دختر باکره هر چند به حد بلوغ و رشد رسیده باشد و در امور مالی و سایر امور مربوطه دارای اهلیت کامل باشد برای ازدواج باید اجازه پدر یا جد پدری خود را بگیرد.

ماده ۹۷۶ قانون مدنی بند ۶: هر زن خارجی که با مرد ایرانی ازدواج کند، خود به خود تبعه ایران محسوب می‌شود. (فلاح زاده ۱۳۸۹، ش: ۱۲-۱۹).

عدم اشاره به برخی حق‌ها در شهروندی زنان

اشکالی که در این منشور مشاهده می‌شود این است که قوانین ذکر شده در این منشور با قانون اساسی هماهنگی ندارد. آیا ما با منشور حقوق شهروندی می‌خواهیم قانون اساسی را پشت سر بگذاریم و بگوییم داریم یک قانون جدید می‌نویسیم؟ به‌طور مثال در قانون اساسی دختر بدون اجازه پدر نمی‌تواند ازدواج کند، اما در این منشور بیان شده که دختر با هر کسی که می‌خواهد می‌تواند ازدواج نماید. در انتخاب شغل، همسر و نیز در بحث شناسنامه کودک، این موارد افتراق دیده می‌شود.

در این منشور سعی شده چیزی نوشته شود که از آن زنان باشد. به‌نظر می‌رسد در این منشور، با ادبیات واقع‌بینانه در مورد وظایف دولت صحبت شده، اما با ادبیات ذهنی و آرمانی در مورد حقوق شهروندان و به خصوص زنان سخن گفته شده است؛ چراکه وقتی بحث حق به‌میان می‌آید باید پرسید ضمانت‌اجرائی آن چیست؟ بنابراین آنچه در این منشور آمده ادبیات شفافی در زمینه حقوق شهروندی زنان ندارد. برای مثال حق سلامت و هویت مطرح می‌شود؛ ولی مثلاً زن کرد سنی ایرانی چگونه می‌تواند برای خود هویت داشته باشد. (کاظمی، ۱۳۹۵: ۱۱۰-۵۵)

ضعف در ضمانت‌اجراء

این منشور شفافیت در ادبیات و نیز ضمانت‌اجرائی لازم را ندارد. زمان نظردهی راجع به این منشور باید تمدید شود، زیرا مواهب تمدید بیش از عجله‌ای است که وجود دارد. اگر دولت به این علت عجله می‌کند که در مذاکرات بین‌المللی پیش رو به نقض حقوق بشر متهم نشود، می‌تواند این کار را به گونه‌ای دیگر نشان دهد، اما اگر می‌خواهد کاری ماندگار از خود بر جای بگذارد باید به حقوق زنان با حضور خود زنان توجه شود. باید حق سیاسی در نظر گرفته شود. حق برخورداری از تشکله‌ها و اجتماعات دیده شود. بنابراین اگر این زمان تمدید شود، برای دولت آزمون بزرگی است که به شهروندان خود اجازه دهد در فضایی امن گفت‌وگو کنند. نگاهی گذرا بر منشور حقوق شهروندی مشخص می‌کند که بسیاری از مفاد آن از جمله حق آزادی بیان و اندیشه، حق برخورداری از امنیت، مسکن و مالکیت با اعلامیه جهانی حقوق بشر هم‌پوشانی دارد. اعلامیه جهانی حقوق بشر، به برابری شأن و حقوق انسان‌ها منصرف از ویژگی‌های نژاد، زبان، تابعیت و ملیت می‌پردازد، این در حالی است که حقوق شهروندی، تنها به حقوقی که اتباع نظام جمهوری اسلامی ایران در برابر یکدیگر و در برابر حکومت دارند اشاره دارد. در این منشور باب خاصی ذیل عنوان حقوق زنان پیش‌بینی نشده و تنها در برخی از بندها به قصد رفع شبهه اشاراتی به آن شده است. بند آخر ماده سه به حق برخورداری زنان از برنامه‌ها و تسهیلات بهداشتی و درمانی مناسب برای تأمین سلامت جسمی و روانی در زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی در مراحل مختلف زندگی اشاره می‌کند و یا در ماده ۱۱ آمده است که زنان حق دارند

در امور سیاست‌گذاری، قانونگذاری و مدیریت اجرا نقش داشته باشند و همچنین ماده ۸۳ برخورداری از فرصت‌های شغلی مناسب و حقوق و مزایای برابر با مردان در قبال کار برابر را حق زنان می‌داند. همه این مفاد در حالی آمده است که تحقق تک‌تک این حقوق پیش‌بینی شده در گرو فراهم شدن مقدمات و عوامل دیگری است. اگرچه اخیراً لایحه‌ای مربوط به حقوق شهروندی به مجلس داده شده اما در همان لایحه هم در موضوع ضمانت اجرا به ارائه تذکر و یادآوری اکتفا شده و باز مشخص نیست که در صورت موثر نبودن تذکرات چه تبعاتی متوجه نهادی که قصور داشته خواهد بود. حتی در چنین مسأله‌ای هم اگر چه حواس نویسندگان منشور به دغدغه امروز زنان جامعه بوده، اما همچنان هیچ ملاک درستی از حجاب ارائه نداده و ضمن توضیح واضحات گفته است که پوشش زنان باید تابع موازین متعارف باشد و بدین ترتیب این مبحث مهم را هم در هاله‌ای از ابهام نگاه داشته است. موضوع حقوق شهروندی هنوز برای افکار عمومی به درستی روشن نشده و دارای ابهامات متعدد است. به رغم تدوین قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی (مصوب ۱۳۸۳)، مفهوم حقوق شهروندی نه در این قانون و نه در سایر قوانین موضوعی کشور به درستی تبیین نشده است. اگرچه حقوق شهروندی در کلیت به معنای روابط بین شهروندان است، اما در قانون اساسی، قانون حفظ حقوق شهروندی و منشور حقوق شهروندی، در مفهوم وظایف و مسئولیت‌های بین حاکمیت و شهروندان به کار رفته است. قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۹۴، از جمله قوانین عادی پیشرفته کشور است که در آن بسیاری از حقوق شهروندی که در قوانین پیشین مورد غفلت قرار گرفته بود، از سوی قانونگذار مورد توجه قرار گرفته است.

برخی از متفکران همچون کدیور معتقد هستند که فقه و حقوق اسلامی قبل از اینکه به حقوق و آزادی‌های انسان توجه کند انسان را به وظیفه مداری و تکلیف محوری سوق داده است. این در حالی است که حق و تکلیف دو روی یک سکه هستند و در فقه اسلام تکلیفی وجود ندارد مگر اینکه بخواهد حقی را پشتیبانی کند. اندیشمندان غربی بر این باورند که چون ذات انسان مسئولیت‌گریز و حق‌خواه هست پس بار تکلیف باید از او برداشته شود. اندیشمندان غرب همچنین معتقدند که سایه تکالیف در اسلام بسیار وسیع و گسترده و دایره حقوق شهروندی بسیار محدود است زیرا زبان فقه زبان اجبار و امر و نهی است. به باور اندیشمندان غربی تکلیف محوری، شرافت و کرامت انسان را پایمال کرده و قدرت تعقل او را زیر سوال می‌برد اما براساس آموزه‌های قرآن کریم انسان موجودی دو بعدی است که کمال سعادت او، در خوشبختی دنیا و عقبی تعریف می‌شود و به همین دلیل است که تکلیف، برای انسان مسلمان از جایگاهی ویژه برخوردار است. نکته‌ای که در نگاه متفکران غرب مغفول مانده آن است که تکالیف در اسلام بازگشت به حق داشته و تکالیف دینی در اسلام برای صیانت از حقوق انسان‌ها وضع شده است.

(مقدم، ۱۳۸۳: ۱۱۱).

جایگاه حقوق سیاسی زنان در منشور حقوق شهروندی

می‌توان ادعا کرد در نظم قانون اساسی ایران چند اصل راهبردی و چند نسل حقوقی تار و پود پیراهن شهروندی را بر قامت هر فرد شکل می‌دهد. اصول مدنظر عبارت از اصل تساوی قانونی شهروندان، اصل توزیع برابر آزادی‌ها و حقوق، اصل برابری در برخورداری از حمایت قانونی و اصل ممنوعیت تبعیض و لزوم رفع آن می‌باشد. نسل‌های حقوقی مورد نظر نیز مشتمل بر حقوق بنیادین، حقوق و آزادی‌های مدنی، حقوق قضائی و دادرسی منصفانه، حقوق و آزادی‌های سیاسی و مشارکتی، آزادی‌های اقتصادی و حقوق رفاهی و نهایتاً حقوق اجتماعی و فرهنگی می‌باشد (همتی، ۱۳۸۹: ۳۹-۱۲۰).

اعلام تساوی حقوق شهروندان ایرانی بدون تبعیض از حیث رنگ و نژاد و زبان و مانند اینها (اصل ۱۹) اعلام برخورداری همه‌ی شهروندان ایرانی از حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، یعنی ابعاد گوناگون حقوق شهروندی در تئوری‌های مختلف شهروندی، بدون تبعیض از لحاظ جنسیت (اصل ۲۰)؛ اعلام اصل بنیادین ممنوعیت تبعیض دل‌خواهانه و لزوم رفع تبعیضات ناروا (بند ۲ اصل سوم) در این چارچوب بسیار اهمیت می‌یابند.

این "برخورداری" از "حمایت قانونی یکسان" و اعلام "تساوی" در حقوق فارغ از جنبه‌های ماهوی آن (کاظمی، ۱۳۸۵: صص ۲۱۴-۲۵۴)، به لحاظ روش‌شناسی می‌تواند هم به استخراج یک اصل تفسیری در تعیین حدود و قلمرو سایر اصول قانون اساسی منجر شود و هم یک اصل راهبردی کلیدی را به عنوان چراغ روشنایی بخش پیش روی قانونگذاران عادی در مقام تصویب قانون و مقامات اجرایی در مقام اجرای قانون و نهایتاً قضات در مقام نظارت بر حسن اجرای قوانین و حل و فصل اختلافات مبتنی بر سلسله مراتب قوانین قرار می‌دهد. چنین تفسیر روش‌شناسانه‌ای از این اصول، افزون بر محتوای ماهوی آن بدیع می‌نماید و به ویژه در ارتباط با تجربه‌های زیستی گروه‌های مختلف شهروندان و مطالبات فردی و اجتماعی هر یک از آن‌ها کاربردپذیر می‌باشد.

اعلام حقوق بنیادین از جمله حق امنیت شهروندان و مصون بودن حیثیت، جان، مال، حقوق و مسکن و شغل شهروندان از تعرض بدون مجوز قانونی (اصل ۲۲) می‌تواند تقریر کلیه حقوق و آزادی‌ها (به‌طور عام و از جمله زنان به‌طور خاص) به عنوان قاعده‌ای طلایی در قانون اساسی محسوب شود.

در بیان تفصیل بیشتر، از یک سو قانونگذار اساسی به شناسایی و تضمین حقوق و آزادی‌های مدنی شهروندان از جمله آزادی عقیده (اصل ۲۳)، آزادی تشکل (اصل ۲۶)،

آزادی اجتماع (اصل ۲۷)، آزادی اقامت و آزادی رفت و آمد (اصل ۳۳)، آزادی دسترسی به دادگاه (اصل ۳۵)، آزادی هویت (اصل ۴۱) پرداخته است و از سویی دیگر حقوق قضائی و دسترسی به دادرسی منصفانه را صراحتاً برای همه ی شهروندان، اعم از زن و مرد اعلام داشته است که از جمله حق دادخواهی و دسترسی به دادگاه صالحه (اصل ۳۴)، حق بر امنیت شخصی (اصل ۲۲)، حق بر ممنوعیت تفتیش عقاید و عدم تعرض به شهروندان به صرف داشتن عقیده (اصل ۲۳)، حق بر مصون بودن حریم خصوصی شهروندان از هرگونه تعرض بدون مجوز قانونی (اصل ۲۵)، حق بر قانونی بودن فرایند کشف، تحقیق، تعقیب جرائم و رسیدگی به آن ها و حق بر شهروندان بر تضمینات دادرسی منصفانه و قانونی (اصل ۳۲)، حق دسترسی به وکیل در جریان فرایند قضائی (اصل ۳۵)، حق بر قانونی بودن جرم و مجازات (اصل ۳۶)، حق برخورداری از فرض قانونی برائت (اصل ۳۷)، حق بر ممنوعیت شکنجه و ممنوعیت اجبار به اقرار و شهادت و سوگند (اصل ۳۸)، حق بر ممنوعیت هتک حرمت و حیثیت فردی در جریان رسیدگی قضائی و اجرای حکم قضائی (اصل ۳۹) قابل اشاره است

حقوق و آزادیهای سیاسی و حق شهروندان بر مشارکت سیاسی نیز به عنوان نسل دیگری از حقوق شهروندی صورت بندی شده است. در این رابطه از جمله اعلام آزادی احزاب و جمعیت ها و آزادی شرکت یا عدم شرکت شهروندان در آن ها (اصل ۲۶)، آزادی نشریات و مطبوعات (اصل ۲۴)، اعلام آزادی تشکیل اجتماعات و راهپیمایی برای شهروندان بدون حمل سلاح (اصل ۲۷)، حق بر مشارکت در حاکمیت ملی (اصل ۵۶)، حق بر انتخابات و رای دادن (اصل ۵۸)، حق بر انتخاب کردن و انتخاب شدن (اصول ۶۲ و ۱۱۴ و ۱۱۵)، حق بر اظهارنظر مستقیم در مسائل بسیار مهم (اصل ۵۹)، حق بر مشارکت در امور شوراها (اصل ۱۰۰) را می توان در یک دسته بندی کلی قرار داد.

از سوی دیگر حقوق رفاهی و آزادیهای اقتصادی نیز به طرز فراگیر و یکسانی هم درباره ی زنان و مردان شناسایی و اعلام گردیده است. در این رابطه آزادی اشتغال به کار و حق بر شرایط مساوی برای احراز مشاغل توسط شهروندان (اصل ۲۸)، حق بر عدم بهره کشی و اجبار به کار (بند ۴ اصل ۴۳، حق بر مالکیت شخصی (اصل ۴۷) و حق بر مالکیت کسب و کار و آزادی فعالیت اقتصادی (اصل ۴۶)، حق بر کار شایسته و استانداردهای مربوط به ساعات کار و درآمد و... مطابق با حقوق کار (بندهای ۲ و ۳ اصل ۴۳)، حق بر عدم تبعیض در برخورداری از منابع طبیعی و استفاده از درآمدهای ملی (اصل) مجموعاً در دسته ی آزادی های اقتصادی دسته بندی می شوند و از جمله حق برخورداری از تأمین اجتماعی و دسترسی به امکانات بهداشتی (اصل ۲۹)، حق برخورداری از مسکن متناسب (اصل

۳۱)، حق بر برآورده شدن نیازهای اساسی و عدم محرومیت و فقر (اصل ۴۳)، حق بر رفع نیازهای اساسی و دسترسی به حداقل استانداردهای زندگی (بند ۱ اصل ۴۳)، حق دسترسی به حداقل استانداردهای درمانی، بهداشتی و امکانات آموزشی (بندهای ۱ و ۲ اصل ۴۳) نیز مجموعاً در دسته ی حقوق حمایت اجتماعی (رفاهی) پیکربندی می شوند. (کاظمی، ۱۳۹۵: ۱۲۴-۱۵۸)

نهایتاً اعلام حقوق اجتماعی و فرهنگی شهروندان از جمله حقوق آموزشی مشتمل بر آموزش و پرورش رایگان و نیز حق بر دسترسی به تحصیلات عالی (اصل ۳۰) و حقوق فرهنگی مشتمل بر حق بر زبان و خط و فرهنگ رسمی و نیز قومی و محلی (اصل ۱۵) و حق بر زندگی اجتماعی مطابق باورهای فردی و فرهنگی (با قید ترتیبات مندرج در اصل های ۱۲، ۱۳ و ۱۴) و حق بر مشارکت در سرنوشت اجتماعی (اصل ۵۶) به عنوان نسلی دیگر از حقوق شهروندی در منطق قانون اساسی قابل طرح بندی است.

به هرحال هدف از این تقریر فشرده از اصول بنیادی و نسل بندی حق ها و آزادی های شهروندی که به گمان ما سلول های مختلف و مولفه های ساختاری تئوری شهروندی قانون اساسی را تشکیل می دهند، مشخص کردن چشم اندازهای قانونی برای صورت بندی و پیکرسازی درست یک نظریه ی شهروندی مبتنی بر اصول قانون اساسی می باشد. اما آنچه بدیع می آید تلاش روش شناسانه برای درک خطوط ارتباط میان اصل های مختلف قانون اساسی و نیز دسته بندی های کاربردی از محتوای اصول و مهم تر داشتن یک نظریه شهروندی برای فهم و تحقق شهروندی مورد نظر قانون اساسی و نیز تفسیر محتوای اصول در سایه اصول راهبردی شهروندی مانند حمایت قانون و عدم تبعیض است.

چالشهای حقوق سیاسی زنان در منشور حقوق شهروندی

از نظریه کلاسیک جمهوری خواهانه یونان باستان پیرامون شهروندی، در حال حاضر، دو سنت نظریه سیاسی در دو سر یک پیوستار مطرح اند: سنت لیبرالیستی و سنت اجتماع گرایانه. این سنت ها، هر دو، به احترام به قانون - در درجات و شکل های مختلف - تأکید داشته آن را به نحوی هنجارین ضامن حفظ نظم عمومی میدانند. جدای از این هنجار تا حدی مشترک، هر کدام از این دو سنت دارای اولویتهای هنجاری متفاوتی برای نقش شهروندی درون خود هستند.

نظریه های لیبرالیستی پیرامون شهروندی در ابتدای دوران مدرن مطرح شدند. این نظریه ها با توجه به سابقه دولتهای خودکامه و با اهمیتی که به حقوق فردی انسان داشتند شهروندی را در مقابل ایده دولت مفهوم سازی نمودند. شهروندی از منظر لیبرالیستی پیش از هر چیز با برابری حقوقی گره خورده است. ریشه این برابری به طور نخست در اندیشه های هابز - گرچه در

قالب برابری در امر شر - نمایان شد (سلطانی فر، ۱۳۹۰: ۳۷-۳۵). از دو شاخهٔ نئولیبرالیسم و لیبرالیسم سیاسی این سنت، مورد دوم تأثیر جدیتری در مورد هنجارهای نقش شهروندی مدرن و آنچه شهروند خوب باید انجام دهد داشته است. "لیبرالیسم سیاسی بر شکل‌گیری رویه‌هایی تمرکز دارد که تأمل فراگیر و بی طرفانه پیرامون سیاست و حکومت را تضمین می‌کند. یکی از اصلیت‌ترین ارزشهای مورد بحث در این گفتمان پیرامون شهروندی مفهوم استقلال است. طرد ساختارهای حکومتی، اقتدار و کنترل - از حکومت سلطنتی، اقتصاد فئودالی و کلیسای کاتولیک تا دیگر نهادهای اقتدار - از سرچشمه‌های تاریخی لیبرالیسم است. از این جهت لیبرالها خواهان تفکر انتقادی شهروندان هستند." آن‌ها به درستی ماهیت مادی دولت و امکان دستاندازی آن به حوزه‌های مختلف زندگی شهروندان را نشان داده اظهار می‌کنند که دولت یکی از بازیگران عرصهٔ قدرت و به واقع قویترین بازیگر این عرصه است؛ چرا که امکان استفادهٔ مشروع از زور را نیز داراست. لذا شهروندان موظف به هوشیاری سیاسی - اجتماعی دائمی و نظارت بر عملکرد دولت، انتقاد و اعتراض هستند. (رضایی پور، ۱۳۹۵، ۱۱۵)

نتیجه گیری

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که مبین نهادهای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جامعه ایران براساس اصول و ضوابط اسلامی است، زن که در نظام طاغوتی در خدمت استعمار همه جانبه خارجی بود هویت اصلی و حقوق انسانی خود را باز می‌یابد و در این بازیابی طبیعی است که زنان به دلیل ستم بیشتری که از قبل متحمل شده اند ضرورت استیفای حقوق آنان بیشتر خواهد بود.

اصل سوم قانون اساسی، دولت جمهوری اسلامی ایران را موظف نموده حقوق همه جانبه افراد اعم از زن و مرد و ایجاد امنیت قضایی عادلانه برای همه و تساوی عموم در برابر قانون را تأمین نماید. زیرا امنیت افراد جامعه یکی از اصولی‌ترین ویژگی نظام حقوقی اسلام است. هم چنین بر رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای زن و مرد، در تمام زمینه‌های مادی و معنوی تأکید دارد. در این اصل بر مشارکت زنان در تعیین سرنوشت سیاسی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش اشاره شده و تسهیل و تعمیم آموزش عالی، آموزش و پرورش و تربیت بدنی برای همه چه زن و چه مرد در تمام سطوح جزو وظایف دولت شمرده شده است، در اصل بیستم قانون اساسی همه افراد ملت اعم از زن و مرد به طور یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند.

اصل بیست و یکم قانون اساسی معطوف به حقوق زن است دولت موظف است حقوق زن را در تمام جهات با رعایت موازین اسلامی تضمین نماید، زنان احتمالا دو خواسته‌ی ظاهرا متعارض ولی عمیقا در پیوند با یکدیگر دارند؛ تمایل به برابری و یکسان سازی و شباهت در حقوق و آزادی‌ها و به طور کلی موقعیت حقوقی از یک سو و از دیگر سو تمایل به نابرابری، عدم مشابهت‌ها، درک تفاوت‌ها و افتراق‌ها که خواه به حسب تفاوت‌های طبیعی یا خواه به سبب واقعیت‌های تاریخی و اجتماعی عملا وجود دارد. یعنی زنان به لحاظ حقوقی هم می‌خواهند برابر باشند و هم متفاوت. هم موقعیت برابر آن‌ها در برخورداری از نسل‌های بنیادین حقوق و آزادی‌های شهروندی باید شناسایی شود و قانونا به آن‌ها در ذیل حاکمیت قانون و تساوی در برابر آن اعطاء شود و هم موقعیت‌های خاص و حقوق و آزادی‌های خاص آن‌ها و حق آن‌ها بر تفاوت‌هایشان، رسمیت داده شود و در قانون انعکاس یابد. هر نظریه شهروندی نوعی توازن حقوق، تعهدات و مشارکت را شامل می‌شود که می‌تواند به عنوان روش تفسیری مقررات یا صورت بندی مواد پراکنده‌ی قانونی در یک چشم‌انداز منظم و مشخص کردن وزن هر ماده در یک صورت بندی کلان مرتبط با شهروندی مورد استفاده قرار گیرد. هم چنین عناصر محتوایی، سازوکارهای شکلی، آئین‌ها و ترتیبات و نهایتا ساختارها و نهادهای حقوقی مندرج در

هرم قوانین را به نحوی که بتواند برای تحقق یک نظم شهروندی کاربردپذیر باشد، به طرز مناسبی متوازن نماید. لذا طرح "شهروندی زنانه" در ذیل نظام جامع حقوق شهروندی در ایران تنها با توجه به لایه‌های منابع قانونی (از جمله قانون اساسی، قوانین عادی، اسناد و معاهدات بین‌المللی) و با توجه به پیوستگی و ارتباط مفاهیم حقوق شهروندی و حقوق بشر امکان‌پذیر است. این مباحث پیوند عمیقی با مباحث مربوط به حاکمیت ملت، روابط بین‌الملل و مشارکت سیاسی شهروندان دارد و لزوماً در طرح آن‌ها باید از هرگونه ساده‌انگاری و یا توقف در مرزهای حقوق داخلی خودداری شود. در نهایت قابل ادعاست که افقی گشوده فراروی بسط و نوآندیشی درباره‌ی شهروندی فعال زنان در سپهر قانون اساسی قابل‌شناسایی است. روزه‌های گشوده‌ی قانون اساسی به سوی معاهدات جهانی حقوق بشر از یک سو و سیاق عبارت‌بندی عام قانون پیش‌گفته از سوی دیگر (که امکان کاربردپذیری نظریه‌های شهروندی را به عنوان ابزار تفسیری اصول قانون اساسی فراهم می‌نماید) پتانسیل‌های همیشه تازه‌ای هستند تا خواست‌ها، تجربیات زیستی، دغدغه‌ها و دل‌مشغولی‌های زنان را به یک زبان حقوقی برگردان کنند و نو به نو امکان مطالبه‌ی تضمینات مربوط به شناسایی، اجرا، احترام و تضمین حق‌ها و آزادی‌های شهروندی برای زنان را طبق قانون اساسی، خواه در ذیل تضمینات عام شهروندی و خواه به عنوان تضمینات خاص شهروندی زنانه فراهم نمایند. با توجه به اینکه حاکم‌اسلامی، سعادت انسان در کل جامعه بشری را آرمان خود می‌داند باید شرایطی را بوجود آورد تا در آن حقوق همه جانبه افراد تأمین شود. اگر موضوع و محمل حق یا تکلیف، امری که زن و مرد در آن مشترک‌اند، همچون آزاداندیشه و عقیده که هر دو لازمه شأن انسانی است باید حق یا تکلیف به‌طور مساوی به‌زمن و مرد تعلق گیرد در غیر این صورت حق یا تکلیف به جنسی تعلق می‌گیرد که محمل و موضوع موردنظر را دارا باشد. عموم تلاش‌های حقوق بشری برای بهبود وضع زنان در راستای عدم تبعیض حقوقی آنها با مردان بوده است؛ غافل از اینکه نوعی تبعیض در حقوق زنان و مردان می‌تواند به صورت طبیعی، بنیانی برای ارتقای حقوق زنان باشد. انواع کنوانسیون‌های حقوق بشری و اعلامیه‌ها و میثاق‌ها در مورد رعایت برابر حقوق زنان و مردان تذکره‌ها داده‌اند و دولت‌های عضو این معاهدات، به نوعی خود را مکلف به رعایت تساوی در استخدام، درمان، مرخصی، حقوق و مزایا و مشابه آن کرده‌اند، اما در نظر گرفتن تفاوت‌های طبیعی زن و مرد، حقوقی مضاعف برای زنان را گوشزد می‌کند که عموماً مغفول مانده است. به دلیل حیای زنان، این بخش از حقوق ایشان بیش از پیش در دوران معاصر محتاج حمایت‌های قانونی است. تعقیب این حقوق در حقوق بشر و حقوق شهروندی امکان‌پذیر است. هر چند می‌توان گفت که بر پایه‌ی وضع طبیعی زنان این موقعیت بیشتر در حوزه‌ی حقوق بشر قرار می‌گیرد، اما در زمان اشتغال آنها این نوع

حمایت از حقوق زنانه در بخش حقوق شهروندی قرار می‌گیرد تا انتباه خاص حکومت را به دنبال داشته باشد. زنان به دلیل تفاوت فیزیولوژیکی و جسمانی هم‌سطح مردان نیستند بلکه برتری‌ها و کاستی‌هایی دارند؛ لذا استخدام نسخه‌ای خاص به نام حقوق متشابه و حتی متساوی برای هر دو جنس، بالاترین اجحاف و خیانت به زنان است. جدا از رعایت حقوق متفاوت و طبیعی زنان در خانه که در حوزه‌ی خصوصی تعریف می‌شود، آن‌گاه که زن در جامعه قدم می‌گذارد و مسئولیتی اجتماعی به او واگذار می‌شود، کارفرما و کل جامعه باید در نظر داشته باشند که در یک شرایط برابر، بنا نیست زن هم‌دوش و همچون مرد همکار و هم‌سطح خود کار کند. بلکه به اقتضای وضع زنانه‌ی خود او محتاج شرایط مادی و معنوی خاصی است. طبیعتاً او نیازمند محیط خاص کار با شرایط و فضای استراحت زنانه است. در گام اول ممکن است این نوعی کم‌کاری زنان با حقوق مردان در تضاد باشد. چرا که در شرایط برابر، مردان چنین مشکل روحی و جسمی ندارند و توان بیشتری بر کار مشابه دارند. اما از منظر حقوق بشری، با در نظر گرفتن وضعیت روحی و جسمی خاص زنان در مقایسه با مردان، این کم‌کاری موقتی اما متناوب، نباید مبنای تفاوت در حقوق و مزایای زن نسبت به مرد همکار و همپایه‌اش قرار گیرد. از منظر حقوق شهروندی جبران کم‌کاری زنان بر عهده‌ی دولت است. به دیگر سخن کار برای زنان باید بر اساس ظرفیت جسمی و روحی آنها باشد. از این رو در شریعت و عرف جوامع قدیم همواره حوزه‌های خاصی همچون خانواده و آموزش و نظایر آن، برای زنان در نظر گرفته می‌شده است.

فهرست منابع

۱. ابراهیمی، جهانبخش (۱۳۹۳) سیری در حقوق بشر، تهران، انتشارات زوار.
 ۲. باری، بوزان (۱۳۹۴) مردم، دولت ها و هراس، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی
 ۳. رضایی پور، آرزو (۱۳۹۵) مجموعه کامل قوانین و مقررات حقوق شهروندی شامل پیشینه حقوق شهروندی، قانون آیین نامه ها، مقررات، آراء صادره، انتشارات آریان
 ۴. عمید زنجانی (۱۳۷۰) "تاریخچه حقوق بشر در اسلام"، نشریه دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
 ۵. عظیم زاده اردبیلی، فائزه؛ خسروی، لیلا (۱۳۸۸) مطالعه تطبیقی حقوق زنان از منظر اسلام و غرب، مبانی حقوق زنان، حق تأمین اجتماعی و حق حیات، ناشر مرکز امور زنان و خانواده نهاد ریاست جمهوری.
- مقاله ها**
۶. پیروزمند، علی رضا (۱۳۸۰) "بررسی تحلیلی الگوی فعالیت زنان در جهان معاصر"، مجموعه مقالات هم اندیشی بررسی مسائل و مشکلات زنان ج. ۱۱، قم، دفتر مطالعات و تحقیقات زنان قم.
 ۷. تقی زاده، عباس (۱۳۸۹) "تبیین جایگاه حقوق شهروندی در حفظ و ارتقاء سلامت شهری"، چکیده مقالات اولیه همایش ملی سلامت شهری، کوه اردیبهشت ۱۳۸۹
 ۸. جاوید، محمدجواد؛ صادقی، محمد؛ شفیق زاده خولنجانی، مصطفی (۱۳۹۱) "نسبت تکالیف طبیعی و تکالیف شهروندی"، فصلنامه دیدگاه های حقوق قضایی، شماره ۵۹.
 ۹. جاوید، محمدجواد؛ اشرفی، عباس؛ شاهمرادی، عصمت (۱۳۹۳) "تبعیض مثبت به نفع زنان با تأکید بر حقوق شهروندی، فصلنامه مطالعات راهبردی زنان.
 ۱۰. سلطانی فر، محمد؛ هاشمی، شهناز؛ یعقوبی راد، فرزانه (۱۳۹۰) بررسی رابطه عوامل فرهنگی اجتماعی بر میزان برخورداری از حقوق شهروندی"، فصلنامه مدیریت فرهنگی، شماره ۱۲.
 ۱۱. علایی، رحمانی (۱۳۹۳) "میزان گسترده مشارکت سیاسی زنان از منظر دین"، مجموعه مقالات همایش مشارکت سیاسی زنان در کشورهای اسلامی، تهران.
 ۱۲. فلاح زاده، علی محمد (۱۳۸۹) "نسبت حقوق شهروندی و حقوق بشر"، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۵۸.
 ۱۳. کاظمی، علی (۱۳۹۵) "موانع و چالش های تدوین لایحه حمایت از حقوق شهروندی در ایران"، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۱۹۵۸.
 ۱۴. مقدم، سعید (۱۳۸۳) "اشتغال زنان و چالش های پیش رو"، نشریه آبادی، مرکز تحقیقات معماری و شهرسازی ایران.
 ۱۵. همتی، مجتبی؛ اسماعیل زاده، حسن (۱۳۸۹) "حقوق شهروندی و مشارکت در اداره امور شهر"، مقالات برگزیده همایش حقوق شهروندی ویژه بزرگداشت هفته قوه قضائیه، ناشر مرکز مطبوعات و انتشارات.

